

بسم الله الرحمن الرحيم

معرفی نهج البلاغه، صاحب آن و گرد آورنده آن

۱- نام گذاری نهج البلاغه

نهج البلاغه به معنای راه روشن بلاغت است. سید رضی مؤلف این کتاب ارزشمند می گوید: پس از تمام شدن کتاب چنین دیدم که نامش را نهج البلاغه بگذارم زیرا این کتاب درهای بلاغت و سخنوری را به روی بیننده خود می گشاید و خواسته هایش را به او نزدیک می سازد. هم دانشمند و دانشجو را بدان نیاز است و هو مطلوب سخنور و پارسا در آن وجود دارد.^۱

۲- آشنایی با سید رضی گرد آورنده نهج البلاغه

سید رضی از دانشمندان قرن چهارم هجری است و نهج البلاغه را در سال ۴۰۰ ه.ق حدود ۳۶۰ سال بعد از شهادت امام علی (ع) گرد آوری کرده است. در سال ۳۵۹ ق در بغداد از پدر و مادری که هر دو از نوادگان امام حسین (ع) می باشد، به دنیا آمد. از پدر با پنج واسطه به امام کاظم (ع) و از مادر با شش واسطه به امام سجاد (ع) منتسب است. از ده سالگی به سرودن شعر مبادرت می کرد و سرآمد شعرای عصر خود بوده است. در ۲۰ سالگی در بغداد به کرسی تدریس می نشیند و در تمام علوم متداول عصر خویش سرآمد بود.^۲ سید رضی در ۳۰ سالگی قرآن را در مدت حفظ کرد. وی در سال ۴۰۶ ق در سن ۴۷ سالگی از دار فانی به سرای باقی مهاجرت نموده است. از وی در این مدت زمان کوتاه عمرش آثار زیادی به یادگار مانده که از جمله آنها نهج البلاغه است.

سید رضی برادر سید مرتضی است که هر دو از دانشمندان بزرگ اسلام و تشیع می باشند و خواب شیخ مفید، استاد این دو در موردشان معروف است که وی در خواب فاطمه زهرا (س) را می بیند که دست حسن و حسین (ع) را گرفته، پیش وی می آورد و از او درخواست می کند که به آن دو علم فقه بیاموزد و صبح همان روز مادر سید رضی را می بیند که دست سید رضی و سید مرتضی را گرفته، پیش وی می آورد و از او درخواست می کند که به آن دو علم فقه بیاموزد.

^۱ - مصطفی دلشاد تهرانی، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، ص ۱۷
^۲ - همان.

۳- انگیزه گردآوری نهج البلاغه توسط سید رضی

شهید مطهری در زمینه انگیزه گردآوری نهج البلاغه توسط سید رضی می گوید: «سید رضی شیفته سخنان علی (ع) بود. مردی ادیب، شاعر و سخن شناس بود... بیشتر از زاویه فصاحت و ادب به سخنان مولا می نگریسته، به همین جهت در انتخاب آنها این ویژگی را مد نظر قرار می داده است. یعنی آن قسمت ها بیشتر نظرش را جلب می کرده است که از جنبه بلاغت برجستگی خاص داشته است و از این رو نام مجموعه منتخب خویش را " نهج البلاغه " نهاده است.»^۱

۴- بخش های نهج البلاغه

نهج البلاغه شامل سه بخش است:

خطبه ها؛ که تعداد آنها ۲۴۱ خطبه می باشد.

نامه ها؛ که تعداد آنها ۷۹ نامه می باشد و از این تعداد ۶۳ نامه، ۱۲ سفارش، ۲ فرمان، ۱ پیمان نامه و ۱ دعا می باشد.

حکمت ها؛ که تعداد آنها ۴۸۰ حکمت می باشد.

۵- سطوح سخنان امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه

سخنان آن حضرت در نهج البلاغه در سه سطح عمومی، تخصصی و فوق تخصصی ارائه شده است؛ سطح عمومی آن شامل مباحث تاریخی، خودسازی، اخلاق فردی و عمومی، سفارش های عمومی و گفتگوهای عادی با مردم، فرزندان و گارگزاران می باشد. در سطح تخصصی و فوق تخصصی مباحث مرتبط با علوم، فنون و رشته های تخصصی علوم انسانی و غیر انسانی مطرح شده است؛ مانند مباحث کلامی، فلسفی، اعتقادی، سیاسی، مدیریتی، جنگ و صلح، بهداشت و درمان، روان شناسی، روان کاوی، جامعه شناسی و...^۲

^۱ - مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۱۷
^۲ - حسن امیر انصاری، شکوه کلام در نهج البلاغه، ص ۳۶-۳۲.

۶- خطبه بدون نقطه و بدون الف امام علی (ع)

جمعی از اصحاب رسول خدا (ص) در باره این بحث می کردند که کدام یک از حروف در کلمات عربی بیشتر به کار می رود و همه بر این متفق شدند که حرف الف بیش از تمامی حروف در کلمات عربی به کار رفته است. آن گاه امام علی (ع) به پا خاست و بالبداهه خطبه ای بدون الف ایراد نمود.^۱ این خطبه چندین صفحه است. هم چنین خطبه ای از آن حضرت نقل شده که به نظر می رسد در عقد نگاحی ایراد شده که بدون نقطه است.^۲

۷- برخی ترجمه های نهج البلاغه

۱- ترجمه علی نقی فیض الاسلام (اولین ترجمه فارسی)

۲- شرح و ترجمه محمدتقی جعفری

۳- شرح و ترجمه آیه الله مکارم شیرازی (پیام امام)

۴- شرح و ترجمه امامی آشتیانی (زیر نظر آیه الله مکارم شیرازی)

۵- ترجمه محمد دشتی

۶- ترجمه شهیدی

۷- ترجمه طالقانی (پرتوی از نهج البلاغه)

۸- ترجمه آیتی

۹- ترجمه اسدالله مبشری

۱۰- ترجمه محمدجواد شریعت

۱۱- ترجمه جواد فاضل

۱۲- ترجمه عبد المجید معادیخواه (خورشید بی غروب نهج البلاغه)

^۱ - همان، ص ۲۸۰ به نقل از ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۱۴۰؛ مصباح کفعمی، باب ۴۹، ص ۷۴۱؛ نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۳۰۴.
^۲ - همان، ص ۲۷۷ به نقل از سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۹۷؛ نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۰۰.

۸- برخی شرح های نهج البلاغه

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی (قرن ۶ هجری)

۲- شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی (قرن ۷ هجری)

۳- شرح نهج البلاغه شیخ محمدتقی تستری (شوشتری)

۴- فی ظلال نهج البلاغه محمدجواد مغنیه

۵- شرح نهج البلاغه علامه محمدتقی جعفری

۶- شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی

تاکنون حدود ۴۰۰ کتاب در مورد نهج البلاغه و ۲۰۰ شرح بر آن نوشته شده است.^۱

۹- جایگاه و منزلت نهج البلاغه و امام علی (ع) از دیدگاه دانشمندان

۹-۱- جایگاه و منزلت نهج البلاغه و امام علی (ع) از دیدگاه دانشمندان شیعه

۱- سید رضی گرد آورنده نهج البلاغه

۱-۱- وی در باره این سخن نهج البلاغه:

«فَإِنَّ الْعَايَةَ أَمَامَكُمْ وَإِنَّ وِرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ تَحَقُّوهُمْ تَلَحُّقُوا فَإِنَّمَا يَنْتَظِرُ بِأَوْلِيكُمْ آخِرُكُمْ»؛^۲ قیامت پیش روی شما و مرگ در پشت سر، شما را می‌راند. سبکبار شوید تا برسید. همانا آنان که رفتند در انتظار رسیدن شمایند.

گفته: «این سخن امام علیه السلام پس از سخن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با هر سخنی سنجیده شود بر آن برتری دارد و از آن پیشی می‌گیرد و از جمله "تَحَقُّوهُمْ تَلَحُّقُوا" کلامی کوتاهتر و پر معناتر از آن شنیده نشده است.»^۳

۱ - همان، ص ۴۸، به نقل از «ما هو نهج البلاغه»

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۲۱، ص ۶۲-۶۳

۳ - همان، ص ۶۳

۱-۲- وی هم چنین در باره این جمله امام علی (ع) « قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ »^۱؛ ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست. گفته است: « این سخنی است چنان پر ارج و ارزش که بر آن بهایی نتوان نهاد و هیچ سخن حکمت آمیزی را هم سنگ آن نتوان یافت و هیچ کلامی را با آن به سنجش نتوان گرفت.»

۱-۳- و نیز در باره این سخن حضرت « مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ »^۲؛ کسی که با چشم بصیرت به آن [دنیا] بنگرد، او را آگاهی بخشد، و آن کس که چشم به دنیا دوزد کوردلش می‌کند. گفته : «اگر صاحب اندیشه‌ای درست در کلام امام اندیشه کند در آن معنای شگرف، و بینشی ژرف می‌نگرد، که هرگز به پایان آن نتوان رسید، و ژرفای کلام امام را نخواهد دید.»^۳

۲- امام خمینی (نهج البلاغه معجونی برای یک جامعه بزرگ انسانی)

«نهج البلاغه برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر من بودن و در حجاب خود و خودخواهی، خود معجونی است دارای ابعاد به اندازه یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی از زمان صدور آن تا هر چه تاریخ به پیش رود و هر چه جامعه‌ها به وجود آید و دولت‌ها و ملت‌ها متحقق شوند.»^۴

۳- مقام معظم رهبری (نهج البلاغه کتاب معرفی علی بن ابی طالب)

« نهج البلاغه در حقیقت کتاب معرفی علی بن ابی طالب است. چهره علی بن ابی طالب در هیچ جا مانند نهج البلاغه آشکار نمی‌شود.»^۵

۴- شهید مطهری

۴-۱- نهج البلاغه شاهکار در همه زمینه‌ها

« نهج البلاغه شاهکار است اما نه تنها در یک زمینه... بلکه در زمینه‌های گوناگون... این که سخنی شاهکار باشد و در عین حال محدود به زمینه خاصی نباشد، از مختصات نهج البلاغه است... کدام شاهکار را می‌توان پیدا کرد که به اندازه نهج البلاغه متنوع باشد.»^۶

۱ - همان، حکمت ۸۱، ص ۴۸۲

۲ - همان، خطبه ۸۲، ص ۱۰۶

۳ - همان، ص ۱۰۷

۴ - حسن امیر انصاری، شکوه کلام در نهج البلاغه، ص ۹۲-۹۳ (پیام امام خمینی به کنگره هزاره نهج البلاغه)

۵ - همان، ص ۹۵ به نقل از «بازگشت به نهج البلاغه، ص ۲۹-۳۰»

۶ - مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۹

۴-۲- علی بن ابی طالب مربوط به تمام زمان ها

«علی بن ابی طالب از آن شخصیت هایی است که مخصوص به زمان معینی نیست؛ مربوط به تمام زمان ها است. علی شخصیتی دارد، کلامی دارد که هر چه زمان بگذرد، نمی تواند آن را کهنه بکند. پس معلوم می شود شخصیت ها دو گونه اند: شخصیت های ابدی پابرجا و شخصیت های متغیر.»^۱

۴-۳- نهج البلاغه جلوه جامعیت امام علی (ع)

« وقتی انسان نهج البلاغه را مطالعه می کند، گاهی خیال می کند بو علی سیناست که دارد حرف می زند؛ یک جای دیگر را مطالعه می کند، خیال می کند ملای رومی یا محی الدین عربی است که دارد حرف می زند؛ جای دیگر را که مطالعه می کند، می بیند یک مرد حماسی مثل فردوسی است که دارد حرف می زند؛ یک جای دیگر را مطالعه می کند، خیال می کند یک عابد گوشه نشین و یک زاهد گوشه گیر یا یک راهب دارد حرف می زند. همه ارزش های انسانی را در علی می بینم؛ چون سخن نماینده روح گوینده است.»^۲

۵- عبد الواحد آمدی مؤلف کتاب غرر الحکم (انتخاب و گزینش از سخن علی (ع) مانند پیمودن دریا با دست است)

« همت گماشتم تا آن جا که تیر رس فکر و مطمع نظر من است، از سخنان آن حضرت گرد آورم و کتابی در این باب پردازم... من در این کار نیستم مگر چونان کسی که دریا را با دست پیمودن و کوه را با ناخن خستن و باز بیش از این به قصور خویش معترف است.»^۳

۶- کلینی مؤلف کافی (طی راه توحید بدون نهج البلاغه ممکن نیست)

وی بعد از نقل یکی از خطبه های توحیدی نهج البلاغه می گوید: «اگر همه زبان جن و انس غیر از زبان انبیا جمع شوند تا توحید را بیان کنند، هرگز مانند آن چه علی آورده، نخواهند آورد و اگر سخنان آن بزرگوار نبود، مردم نمی دانستند راه توحید را چگونه طی کنند.»^۴

۱ - شکوه کلام در نهج البلاغه، ص ۲۷، به نقل از «مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲ - همان، ص ۱۰۲ به نقل از مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۵۲-۵۴

۳ - همان، ص ۱۱۲ به نقل از عبد الواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم، ترجمه محمد علی الانصاری، ج ۱، ص ۳

۴ - همان، ص ۱۳۳ به نقل از کلینی، اصول کافی ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص ۱۸۵

۷- بیهقی تاریخ نویس مشهور (عظمت سخنان امام در نهج البلاغه)

وی در مورد عبارت «تَخَفُّوا تَلْحَقُوا»^۱ گفته: «اگر این الفاظ بر سنگ خوانده شود، سنگ ها از عظمت آن در هم می شکنند و چشمه های آب از آنها فوران می کند یا اگر بر ستاره ها خوانده شود، ستارگان در برابر عظمت آن از افق های آسمان فرو می ریزند.»^۲

۸- شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه (نهج البلاغه قابل اعتماد ترین کتاب)

«بعد از انقطاع وحی الهی کتابی از نظر اعتماد مانند نهج البلاغه تدوین نشده است.»^۳

۹- علامه محمد تقی جعفری (نهج البلاغه موجب بی نیازی از تمام مکاتب بشری)

«آن روز که نهج البلاغه علی بن ابی طالب بی طرفانه و با دقت رسیدگی شود، از همه مکتب های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و فلسفی بی نیاز خواهیم شد.»^۴

۱۰- محمد دشتی مترجم و محقق نهج البلاغه (نهج البلاغه و قدرت دفاعی نسل جوان در برابر افکار تهاجمی)

وی در مورد ایجاد قدرت دفاعی نهج البلاغه برای نسل جوان در مقابله با افکار تهاجمی می گوید:

«در تمام محورهای خط فکری نسل جوان، نهج البلاغه رهنمودهای تعیین کننده دارد، در هجوم ایسم ها و ایست ها، بهترین پناهگاه است که قدرت لازم به نسل ما می دهد تا ارزش های اسلامی خود را پاسدار باشد و تمامی مکاتب وارداتی را بتواند عالمانه نقد کند.»^۵

۱۱- جواد محدثی

۱-۱۱- نهج البلاغه موجب احیاء شخصیت سید رضی

«سید رضی کلام تو را احیاء نکرد، بلکه کلام تو شریف رضی را حیات بخشید. نهج البلاغه مدیون سید رضی نیست، بلکه شرف رضی وام دار کلام توست. سید رضی این سخنان را به صحنه نیاورد، بلکه برکت کلام تو سید رضی را در صحنه تاریخ مطرح کرد و به حافظه زمان سپرد و ماندگارش کرد.»^۱

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۲۱، ص ۶۳

۲ - شکوه امام در نهج البلاغه، ص ۱۳۶، به نقل از معارج نهج البلاغه، ص ۱۰۸.

۳ - همان، ص ۱۲۲ به نقل از شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۴

۴ - همان، ص ۱۱۸ به نقل از نگاهی به علی، ص ۶۵.

۵ - همان، ص ۲۵

۱۱-۲- نهج البلاغه نردبان تعالی روح انسان

« اسلام را باید از قرآن گرفت، نهج البلاغه هم ترجمان همان قرآن است. نهج البلاغه نردبان تعالی روح است.»^۲

۱۱-۳- نهج البلاغه منشوری چند بعدی و جامع

« نهج البلاغه سوگنامه فراق یاران است و رنجنامه عهدشکنی دوستان نا آگاه و هم پیمانان سست اراده و غمنامه مظلومیت عدل و محکومیت حق است. نهج البلاغه منشوری است چند بعدی که هر زمان یک چهره اش می درخشد و برای هر کس یک بعد و یک برش آن متجلی می شود. از هر مقوله ای مقاله ای دارد و برای هر دردی درمانی و برای هر نیازی پاسخی و البته که بی دردان از نهج البلاغه درمانی هم نخواهند یافت.»^۳

۱۲- آیه الله صافی گلپایگانی (مقایسه نهج البلاغه با اعلامیه حقوق بشر)

« جورج جورداق مسیحی مواد اولیه اعلامیه حقوق بشر را نوشته و در مقابل هر ماده ای، جمله ای از عهدنامه مالک اشتر را قرار داده و نوشته... هر دو را که مقایسه کنیم، می بینیم در همه موارد جمله های عهدنامه کامل تر و رساتر است، با این فرق که:

۱- اعلامیه حقوق بشر را در عصری که به اصطلاح دنیا این همه پیشرفت کرده، نوشته اند و پس از چند مرتبه تکمیل به صورت فعلی درآمده است، اما عهدنامه را علی (ع) بیش از سیزده قرن قبل در موقعی مرقوم فرمود که این حقوق مطرح و مورد توجه نبوده است.

۲- در باره مواد اعلامیه حقوق بشر و مضمون و الفاظ و متن آن، علمای حقوق و دانشمندان کشورهای مختلف اظهار نظر کرده و بررسی ها نموده و در روزنامه ها در معرض افکا عموم گذارده اند، اما امام، خود و بدون مشورت با احدی هنگام برگزیدن مالک اشتر به حکومت مصر این عهدنامه را نوشت.»^۴

۱ - شکوه امام در نهج البلاغه، ص ۲۷، برگرفته از روایت انقلاب، ج ۲

۲ - همان، برگرفته از روایت انقلاب، ج ۱، ص ۲۶۰.

۳ - همان، برگرفته از همان.

۴ - همان، ص ۱۳۲، به نقل از ره توشه راهیان نور سال ۱۳۷۸ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۱۶۴.

۱۳- دکتر علی شریعتی (بلیغ ترین و زیباترین جمله امام علی "ع")

«نهج البلاغه بعد از قرآن بزرگ ترین کتاب ماست که آن را نمی خوانیم و نمی دانیم و نمی شناسیم؛ چنان که قرآن را هم همین طور. قرآن را هم فقط ستایش می کنیم، می بوسیم و متبرک می دانیم.»

از همه سخنانی که علی در مدت عمرش گفته، جمله ای از همه رساتر، بلیغ تر، زیباتر، اثربخش تر و آموزنده تر وجود دارد و آن "۲۵ سال سکوت" علی است که خطاب به همه انسان ها است؛ ۲۵ سال سکوت در نهایت سختی و سنگینی برای یک انسان، آن هم نه یک انسان گوشه گیر و راهب، بلکه یک انسان فعال اجتماعی... امام گاه با سخنش حرف می زند و گاه با سکوتش؛ گاه با پیروزیش درس می دهد و گاه با شکستش.^۱

۱۴- محمد باقر محمودی نویسنده "کتاب نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه"

(نهج البلاغه معجزه امام علی "ع")

«قرآن معجزه حضرت رسول (ص) و نهج البلاغه معجزه آقا امیر مؤمنان (ع) می باشد.»^۲

۱۵- کاظم عابدینی مطلق

« شناخت اسلام راستین و درک حقایق ناب این دین، بدون مطالعه موشکافانه و مستمر نهج البلاغه میسر نیست.»^۳

۹-۲- جایگاه و منزلت نهج البلاغه و امام علی (ع) از دیدگاه دانشمندان اهل سنت

۱- احمد بن حنبل پیشوای مذهب حنبلی

۱-۱- مقام بلند علی بن ابی طالب "ع"

۱ - همان، ص ۱۵۶-۱۵۷، به نقل از مجموعه آثار علی شریعتی، «علی تنهاست»، ص ۹۲.

۲ - همان، ص ۱۳۲، به نقل از مجله پژوهش و حوزه، سال اول، شماره ۳ (پاییز ۷۹).

۳ - همان، ص ۱۵۵، به نقل از کاظم عابدینی مطلق، مقدمه نهج البلاغه.

«در باره هیچ یک از صحابه رسول الله به اندازه علی بن ابی طالب "ع" فضایل نقل نشده است».^۱ «علی دشمنان بسیاری داشت، هر چه جستجو کردند تا از او عیبی بیابند، نیافتند، مجبور شدند برای از بین بردن او دشمنان او را بستایند».^۲

۱-۲- هیچ کس قابل مقایسه با علی بن ابی طالب "ع" نیست

«عبد الله پسر احمد بن حنبل می گوید: از پدرم در باره فضیلت اصحاب رسول خدا (ص) پرسدم، گفت: با فضیلت ترین آنها ابوبکر و عمر و عثمان است. گفتم: علی بن ابی طالب در چه مرتبه است؟ گفت: او از اهل بیت است که اینها با او مقایسه نمی شود».^۳

۲- محمد بن ادريس شافعی پیشوای مذهب شافعی (فضایل فوق بشری علی بن ابی طالب "ع")

«اگر مرتضی علی حقیقت حال و باطن امر خویش را ظاهر سازد، مردم را کافر سازد که همه به شبه خدایی نزد او به سجده افتند. از فضل و منقبت وی همین بس که در باره او بعضی شک نموده اند که آیا از خداست یا خلق».^۴

۳- جاحظ (عدم امکان مقابله به مثل با سخنان علی)

ابو عثمان جاحظ (۲۵۵م) از بزرگ ترین ادیبان و نوابغ عرب است. او را امام الادب العرب نامیده اند. مسعودی او را فصیح ترین نویسندگان سلف دانسته است. او گفته است:

«هرگز کلامی بعد از کلام خدا و پیامبرش به گوش من نخورده، مگر این که با آن مقابله به مثل کرده ام، جز کلمات امیر مؤمنان کرم الله وجهه که من توان مبارزه با آن را هرگز در خود نیافتم و سخنان او در دلتیا بی نظیر است... دوست داشتم همه کتاب ها و تألیفات خود را بدهم و نسبت تألیف آن کتاب ها را از خود قطع و انکار کنم و در عوض آن فقط سه کلمه از کلمات علی بن ابی طالب "ع" را از آن خود سازم و آن کلمات به من منسوب گردد».

۱ - محمد تیجانی سماوی، راه یافته (ترجمه عباس جلالی)، ص ۱۹۳ به نقل از حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۷

۲ - شکوه امام در نهج البلاغه، ص ۷۲، به نقل از مجله تبیان، شماره ۲۰، ص ۱۳۷.

۳ - همان، ص ۷۳، به نقل از ینابیع الموده، باب ۵۲، ص ۱۵۲.

۴ - همان، ص ۲۰۹ به نقل از سید یحیی برقه ای، چکیده اندیشه ها، ص ۲۹۷.

۴- زمخشری (فضایل علی شرق و غرب جهان را فراگرفته است)

«من چه بگویم در باره مردی که فضایل او را دشمنانش از راه کینه جوی و حسد انکار کردند و دوستان او از ترس و بیم پنهان کردند، ولی از این میان آن قدر فضیلت هاب وی انتشار یافت که خاور و باختر را فرا گرفته است.»^۱

۵- ابن ابی الحدید معتزلی

۵-۱- فوق بشری بودن سخنان علی بن ابی طالب (ع)

ابن ابی الحدید معتزلی در مورد سخنان امیر مؤمنان (ع) گفتن: «از نظر فصاحت علی بن ابی طالب (ع) امام الفصحاء و سید البلغاء است و کلامش دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق است. کتاب نهج البلاغه اقوی شاهی است در این باب.»^۲

۵-۲- لزوم سجده همه فصیحان عرب در مقابل سخنان علی بن ابی طالب (ع)

وی در باره خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه گفته است:

«اگر همه فصیحان و سخن شناسان عرب در یک جا گرد هم آیند و کلمات امام، به ویژه خطبه ۲۲۱ بر آنان خوانده شود، سزاوار است همه در برابر آن سجده کنند؛ همان گونه که در برابر آیات سجده قرآن، سجده می کنند. من سوگند می خورم به همان کسی که همه امت ها به او سوگند یاد می کنند، من این خطبه را ۵۰ سال قبل تا کنون بیش از ۱۰۰۰ بار خوانده ام و هر زمان آن را خوانده ام، ترس و وحشت و بیدار عمیقی همه وجودم را در بر گرفت و در قلب من اثر عمیقی گذاشت و در اعضای پیکرم لرزشی...»^۳

۶- شیخ محمد عبده (نهج البلاغه گنجینه ای گران بها)

شیخ محمد عبده مفتی اسبق مصر و شارح نهج البلاغه که این شرح را در مصر چاپ کرد و منتشر ساخت و برای اولین بار به توده مصری معرفی کرد، مدعی است که اصلا نهج البلاغه نمی شناخته و نسبت به آن آگاهی نداشته است، تا این که در یک حالت دوری از وطن این کتاب را مطالعه می کند و سخت در شگفت

^۱ - همان، ص ۱۹۰ به نقل از مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۱۹.

^۲ - همان، ص ۱۷۸ به نقل از ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۵۳.

^۳ - همان، ص ۱۷۶ به نقل از همان، ج ۱، ص ۷ (مقدمه ابوالفضل ابراهیم).

می ماند، احساس می کند که به گنجینه ای گران بها دست یافته است. همان وقت تصمیم می گیرد آن را چاپ کند و به توده عرب معرفی نماید.^۱

شهید مطهری پس از نقل سخن شیخ محمد عبده می گوید: «بیگانگی یک عالم سنی با نهج البلاغه چندان عجیب نیست، عجیب این است که نهج البلاغه در دیار خودش در میان شیعیان علی، در حوزه های علمیه شیعه غریب و تنها است؛ همچنان که خود علی تنها است.»^۲ وی در ادامه می گوید: «باید اعتراف کنیم که با نهج البلاغه بیگانه ایم، دنیای روحیه ای که برای خد ساخته ایم، دنیای دیگری است غیر از دنیای نهج البلاغه.»^۳

۷- عبد الفتاح عبدالمقصود مؤلف کتاب امام علی بن ابی طالب (ع) (علی مجسمه کمال)

«امام علی برترین مردی است که مادر روزگار تا پایان عمر خود چون او نزیاد... او مجسمه ای از کمال است که در قالب بشر ریخته شده است.»^۴

۸- آلوسی بغدادی (نهج البلاغه نزدیک به مرحله اعجاز)

آلوسی بغدادی (م ۱۸۵۴م) ادیب عراقی و مفسر معروف قرآن در مورد نهج البلاغه می گوید: «انتخاب این نام برای این کتاب از آن رو است که دربر گیرنده سخنانی است که به مرحله اعجاز نزدیک شده است.»^۵

۹- ابو احمد عسکری از دانشمندان اهل سنت

وی در باره نامه ۳۱ امام علی (ع) می نویسد: «اگر از حکمت چیزی شایستگی آن را داشته باشد که با طلا نوشته شود، همین نامه امام علی (ع) است.»^۶

۱۰- شکیب ارسلان

شکیب ارسلان متولد ۱۲۸۶ق از نویسندگان و دانشمندان بزرگ عرب معاصر و مردی سخنور و امیر بیان در سده چهاردهم بود. در جلسه ای که به افتخار او در مصر تشکیل شده بود، یکی از سخنرانان گفت: دو نفر در تاریخ اسلام پیدا شده اند که به حق شایسته اند امیر سخم نامیده شوند: ۱- علی بن ابی طالب؛ ۲- شکیب

۱ - مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۱۰.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - شکوه امام در نهج البلاغه، ص ۱۸۹، به نقل از حساس ترین فراز تاریخ، ص ۲۹۱.

۵ - همان، به نقل از مکارم شیرازی، پیام امام، ص ۳۴.

۶ - همان، ص ۱۸۸، به نقل از آیه الله صدر، تأسیس الشیعه، ص ۴۰۴.

ارسلان. شکیب ارسلان با ناراحتی برخاست و پشت تریبون رفت و از سخن دوستش گله کرد و گفت: من کجا و علی بن ابی طالب کجا! من بند کفش علی هم به حساب نمی آیم.^۱

۱۱- محمد چخاهیچ معاون وقت نخست وزیر بوسنی و هرزگوین

«نهج البلاغه آینه ایست که در آن می توان مشخصات یک انسان کامل، یک اعتقاد تام و یک زندگی کامل را دید.»^۲

۹-۳- جایگاه و منزلت نهج البلاغه و امام علی (ع) از دیدگاه دانشمندان مسیحی

۱- جورج جورداق

۱-۱- غربت نهج البلاغه در میان مسلمانان

جورج جورداق نویسنده بزرگ عرب مسیحی، ادیب توانا و خوش قلم و صاحب کتاب بزرگ و ارجمند «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» در پنج جلد که این کتاب از بهترین پژوهش های است که در مورد امام علی (ع) نوشته شده، در مورد عظمت نهج البلاغه می گوید: «جاذبه های کلمات امام علی (ع) در من شوری ایجاد کرد ۲۰۰ بار نهج البلاغه را مطالعه کردم»^۳

محمد دشتی محق و مترجم نهج البلاغه در مورد غربت نهج البلاغه در میان مسلمانان می گوید:

«در آغاز تحصیلات حوزوی که ترجمه های موجود را مطالعه می کردم و کاستی های مفهومی را می یافتم، نگران و در فکر چاره اندیشی بودم که یکی از نوشته های جورج جورداق مسیحی (استاد ادبیات عرب در لبنان) را خواندم که اعتراف کرده بود "جاذبه های کلمات امام علی (ع) شوری در من ایجاد کرد که ۲۰۰ بار نهج البلاغه را مطالعه کردم" چنان بر خود لرزیدم و به تعصب و غرور اعتقادی من ضربه وارد شد که تا مدتی حالت عادی نداشتم. بر خود نفرین کردم که چرا یک مسیحی ۲۰۰ بار نهج البلاغه امام علی (ع) را می خواند، اما من که خود را از شیعیان امام علی (ع) می شمارم و ادعای محبت و ولایت او را دارم، به راستی چند بار نهج البلاغه خوانده ام؟ و با مفاهیم ارزشمند آن به چه میزان آشنایی دارم؟^۴

۱ - مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۶، به نقل از محمد جواد مغنیه.

۲ - شکوه امام در نهج البلاغه، ص ۲۰۳، به نقل از دانشنامه امام علی (ع)، ج ۱۲، ص ۳۹.

۳ - ترجمه نهج البلاغه محمد دشتی، مقدمه، ص ۱۴.

۴ - همان.

۱-۲- امام علی شخصیت بی بدیل روزگار

جورج جورداق در مورد شخصیت بی بدیل امام علی (ع) می گوید: «ای روزگار تو را چه می شد اگر همه نیروهای خود را به کار می بردی و در هر زمان یک علی، با آن عقلش، با آن زبانش و با آن ذوا لفقارش به ما می بخشیدی!»^۱

۱-۳- امام علی ۱۰۰۰ سال از زمانه خود جلوتر بود

وی در مورد نامه امام علی (ع) به مالک اشتر می نویسد: «امام علی در این فرمان ۱۰۰۰ سال از روزگار خویش پیشی گرفته است.»^۲

۲- شبلی شمیل از پیشتازان مکتب مادی گری (علی نسخه بی بدیل انسانیت)

«امام علی بن ابی طالب بزرگ بزرگان و یگانه نسخه ای است که شرق و غرب، نه در گذشته و نه حال، نسخه مشابه آن را ندیده است.»^۳

۳- بولس سلامه (علی ستاره درخشان آسمان علم و ادب)

بولس سلامه شاعر، نویسنده و قاضی القضاة بیروت معتقد است هیچ کتابی جز قرآن بر نهج البلاغه برتری ندارد.^۴ وی در باره مقام امام علی (ع) چنین می گوید: «آری من مسیحی هستم ولی دیده ای باز دارم و تنگ بین نیستم. مسیحیان در اجتماعات خود از وی سخن می گویند و از تعلیمات او سرمشق می گیرند و دین داری اش را پیروی می کنند. علی جایی را اشغال کرده که یک دانشمند او را ستاره درخشان آسمان علم و ادب می بیند.»^۵ وی هواداران علی (ع) را صرفاً شیعه نمی داند، بلکه معتقد است در تمامی امت ها ممکن است شیعیان آن حضرت وجود داشته باشد. وی در این زمینه گفته:

لاتقل شیعة هواة علی

ان فی کل منصف شیعیاً^۶

^۱ - شکوه امام در نهج البلاغه، ص ۶۴، به نقل از جورج جورداق، الامام علی صوت العدالة الانسانیة، ج ۱، ص ۴۷.

^۲ - همان، ص ۲۱۶ به نقل از مجله تبیان، شماره ۳۰، ص ۱۳۱.

^۳ - همان، ص ۲۴۶ به نقل از جورج جورداق، الامام علی صوت العدالة الانسانیة، ج ۱، ص ۱۹.

^۴ - همان، ص ۲۴۸ به نقل از مجله مکتب اسلام، سال ۱۷، شماره ۴.

^۵ - همان به نقل از سیمای نهج البلاغه، ص ۶۵.

^۶ - همان، ص ۲۴۹ به نقل از سیمای نهج البلاغه، ص ۴۱.

۴- امین نخله

امین نخله در جواب شخصی که از او خواسته بود ۱۰۰ کلمه از نهج البلاغه را برای او برگزیند، گفته بود: «این کار به این می ماند که دانه یاقوتی را از کنار دانه های دیگر بردارم.»^۱

۵- استاد ژوزف هاشم از نویسندگان مسیحی و وزیر سابق بهداشت لبنان

استاد ژوزف هاشم همچون جورج جورداق از شیفتگان و ارادتمندان امام علی (ع) است و در مورد آن حضرت و سخنان ارزشمندش در نهج البلاغه جملات بسیار زیبایی دارد. وی می گوید:

«مردم جوامع مدنی اگر در باره اصلاحات امام علی چیزی نخوانده باشند، عقب مانده هستند. پیروان ادیان آسمانی اگر در باره پیشگامی علی برای کارهای شایسته چیزی نخوانده باشند، از دین خارجند. اهل قلم و علم و اندیشه، اگر برتری عقل و نیز بلاغت و فصاحت و گوهرهای معانی و سخن را از علی برنگیرند، نادانند.»

روحانیون از هر دین و مذهب که باشند، تنها در صورتی که بتوانند از مباحث علم الهی امام روشنی بگیرند، با روح فقه همراه شده و نصرت خدا را در روی زمین به همراه خواهند داشت و در آن صورت خطبه اشباح امام بخشی از نمازهای روزانه آنان خواهد شد.

پدران و مادران، مربیان و راهنمایان اگر وصیت نامه امام به فرزندش امام حسن (ع) را تعلیم ندهند، مرتکب قصور و تقصیر شده اند.

قضات و دست اندرکاران دستگاه عدلیه و آنهایی که امین مسائل خاص و عام مردم هستند، با داشتن نامه امام به قاضی خود، شریح بن حارث از خطا و آلودگی و لغزش مصون خواهند شد...

همه زمامداران صرف نظر از تفاوت کشورها و نظام ها و قانون اساسی شان، اگر به مواعظ و عدالت ورزی، مساوات و دعاهای امام توجه نکنند، در معرض لغزش و اشتباه و گناه خواهند بود.^۲

^۱ - همان، ص ۲۴۰، به نقل از شهرستانی، پیرامون نهج البلاغه، ص ۳۹.
^۲ - همان، ص ۲۵۶ به نقل از کیهان فرهنگی، آذر ۱۳۸۰، شماره ۱۸۲، ص ۱۶.

۶- تأثیر معجزه آسای سخنان امام علی (ع)

۶-۱- الکساندر وسیلینوف و مسلمان شدن او در اثر شنیدن سخنی از امام علی (ع)

«الکساندر وسیلینوف مدرس عرفان اسلامی در دانشگاه نوین بلغارستان است و به شش زبان زنده دنیا مسلط است و می تواند تدریس کند. از آثار وی ترجمه صحیفه سجادیه، ترجمه دعای کمیل و ترجمه تاریخ فلسفه اسلامی هانری کربن است. وی دانشمندی مسیحی بوده که شیعه شده و علت این تحول درونی خود را سخنی از امام علی (ع) می داند:

"مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا شَوْقًا إِلَى جَنَّتِكَ وَ لَكِنْ رَأَيْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ."^۱

خدا یا تو را نه به خاطر ترس از آتشت و نه به خاطر شوق به بهشتت عبادت نکردم؛ بلکه تو را اهل عبادت یافتم و عبادتت کردم.

وی می گوید: وقتی این سخنان را شنیدم، گریه کردم و فهمیدم معنای اسلام یعنی عرفان و عبادت خالصانه، نه ترس از آتش، نه رغبت به بهشت؛ بلکه عشق به خداست و این برای من خیلی مهم بود.^۲

۶-۲- مسلمان شدن یک کنسول روسی با شنیدن سخنی از امام علی (ع)

شیخ جعفر شوشتری می گوید: یکی از از کنسول های روسی به یکی از علمای شیعه به اعتراض می گوید: شما مسلمانان ادعای برتری بر همه می کنید و می گوئید ما مسلمانیم، در حالی که شما نیز مانند ما کفار گناه می کنید. پس مسلمانان را بر ما فخری نیست. آن عالم در جواب می گوید: آنها که تو دیده ای، معصیت کاران ما هستند، شما پیشوایان و رهبران ما را نمی شناسید، آنها از آلودگی گناه پیراسته اند و هرگز معصیت نمی کنند. می خواهی کلامی از پیشوایمان برایت بخوانم؟ کنسول روسی می گوید: بخوان. آن عالم شروع می کند به خواندن یکی از نامه های امام به عثمان بن حنیف انصاری. وی با شنیدن سخنان معجزه آسای امیر مؤمنان (ع) نور ایمان در آینه قلبش تابید و به شرف اسلام مشرف شد.^۳

^۱ - حسن بن یوسف حلّی، نهج الحق و كشف الصدق، ص ۲۴۷.

^۲ - همان، ص ۱۶۶-۱۶۷، به نقل از روزنامه جام جم، شنبه ۱۳۸۴/۸/۲۴.

^۳ - همان، ص ۲۵۰ به نقل از علی آئینه حق نما، ج ۱، ص ۲۰۱.